

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی

### صور تجلده دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

باتلاوت آیاتی چند از کلام... مجید جلد دفاع از پایان نامه خانم مریم آل نجف دانشجوی کارشناسی ارشد دوره ی شبانه رشتی: مترجمی زبان عربی با عنوان پایان نامه: «ترجمه ی روان لیلی باسن است» (ژنیوسن السبامی) در ساعت ۱۲-۱۰ روز سه شنبه مورخ ۱۳/۴/۹۱ در محل سالن اجتماعات دانشکده ادبیات و علوم انسانی تشکیل گردید.

پس از استماع گزارش ارائه شده توسط دانشجو و اساتذ به نامیات داوران و حاضران سولاتی را مطرح و نامبرده به دفاع از موضوع پرداخت و به سولات آنها پاسخ گفت. پس پایان نامه توسط بیات داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و نمره (۲۵/۱۹) برابر درجه (عالی) برای آن تعیین گردید. به این ترتیب ضمن تصویب پایان نامه مزبور از این تاریخ خانم مریم آل نجف به عنوان کارشناسی ارشد شناخته می شود.

ردیف	اعضای بیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱	استاد راهنما	دکتر حسین شمس آبادی	دانشیار	
۲	استاد شاور	دکتر رحمت ال فستری	استادیار	
۳	استاد داور	دکتر عباس کنجلی	استادیار	
۴	نایبده تحصیلات تکمیلی	دکتر حسن صیاتی	استادیار	

نام و نام خانوادگی دانشمندی مدیر گروه

دکتر عباس کنجلی مدیر گروه زبان و ادبیات عرب

نشانی:

- معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه جهت اطلاع
- معاونت پژوهشی دانشگاه جهت اطلاع
- آموزش دانشکده جهت درج در پرونده دانشجو



سوگند نامه دانش آموختگان دانشگاه تربیت معلم سبزوار

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه بر نگذرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک ، کوشش خویش و بهره گیری از دانش استادان و سرمایه های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه ای از دانش و خرد گردآورده ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می کنم که در به کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می گیرم که از همه دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و همنوعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حد امکان یاری دهم. سوگند می خورم که در به کارگیری دانش خویش به کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مبادت دارد دست نیازم. همچنین در سایه اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز ، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

نام و نام خانوادگی وامضای دانشجو

مریم آل نجف



# دانشگاه حکیم سبزواری

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی

عنوان:

ترجمة رواية «فديتك يا ليلي» (آثارعلى الرمال) اثر يوسف السباعي

ترجمه رمان «لیلی با من است» (ردی بر ساحل) اثر یوسف السباعی

استاد راهنما:

دکتر حسین شمس آبادی

استاد مشاور:

دکتر حجت اله فسقوری

نگارش:

مریم آل نجف

تیر ماه ۱۳۹۱.ش

تقدیم به مهربان فرشتگانی که:

لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت و خواستن، عظمت رسیدن، قدرت عاشق بودن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگیم مدیون حضور سبز آن هست و وجودم جزء هدیه وجودشان نیست.

مادم؛ که دست های پر مهرش بوی بهار دارد و نگاهش طراوت شبنم.

پدرم؛ که عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودش در این سردترین روزگار بهترین پشتیبان من است.

دختر دلبندم؛ عارفه، امید بخش جانم که آسایش او، آرامش من است.

همسرم؛ به پاس محبت ما و همراهی بی دریغش.

## تقدیر و شکر

جناب آقای دکتر حسین شمس آبادی

جناب آقای دکتر حجت الله فسقری

شماره شنایی بخش تاریکی جان، بستید و ظلمت اندیشه را نور می بخشید. چگونه پاس کویم مهربانی و لطفتان را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه پاس کویم تاثیر علم آموزیتان را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه می محقر وجودم فرزوان ساخته است. آری در مقابل این همه عظمت و سکوهر مرانه توان پاس است و نه کلام و وصف.

همچنین بر خود فرض می دانم در کمال فروتنی و تواضع از استاد فرهیخته جناب آقای مولومی به پاس

تمام راهنمایی های بی دریغشان که در طول کار راهگشای من بوده صمیمانه شکر و قدر دانی نمایم.



فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی  
دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: آل نجف	نام: مریم	شس دانشجویی: ۸۹۲۳۴۶۲۰۲۸
استاد راهنما: دکتر حسین شمس آبادی	استاد مشاور: دکتر حجت اله فسقوری	
دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	رشته: زبان و ادبیات عرب	گرایش: مترجمی زبان عربی
مقطع: کارشناسی ارشد	تاریخ دفاع:	تعداد صفحات:
عنوان پایان‌نامه: ترجمه رمان «لیلی با من است» اثر یوسف السباعی.		
کلیدواژه‌ها: رمان، مصر، یوسف السباعی، رمانتیک.		

چکیده:

این پایان‌نامه سعی دارد با نگاهی گذرا به زندگی «یوسف السباعی» ادیب و سیاست‌مدار مصری به ترجمه رمان وی، «فدیتک یا لیلی» بپردازد. وی از بزرگترین نویسندگان مصر به شمار می‌رود که در ادبیات این کشور به خاطر آثار رمانتیک ارزشمندش با نام «تک سوار میدان رمانتیک» شناخته شده است. رمان «فدیتک یا لیلی»، یکی از زیباترین و مشهورترین آثار رمانتیک این نویسنده به شمار می‌رود که در سال ۱۹۵۳م نوشته شده است. رمان در فضایی شاعرانه و رمانتیک به تصویر کشیده شده است و بیانگر رابطه پاک عاشقانه‌ای است که میان قهرمانان داستان وجود دارد و از جنگ انسان و قضا و قدر حکایت می‌کند. در این رمان علاوه بر اصول جامعه‌شناختی، با مهارت بسیار از علم روان‌شناسی استفاده شده و با کمک مکانیزم‌های آن‌گره از معمایی می‌گشاید که از ابتدا ذهن خواننده را درگیر می‌کند. رمان در ۱۴ فصل به تصویر کشیده شده و می‌توان آن را از آثار موفق این نویسنده دانست که در عین حال بر پایه علمی نیز استوار است.

امضای استاد راهنما

## فهرست مطالب

سخن مترجم ..... الف تا ب

### فصل اول: معرفی شخصیت یوسف السباعی

- ۱-۱ یوسف السباعی تک سوار میدان رمانتیک ..... ۱
- ۱-۲ فعالیت ها و مناصب ادبی و نظامی ..... ۳
- ۱-۳ آثار وی ..... ۴
- ۱-۴ جوایز ..... ۷
- ۱-۵ ادبیات سباعی ..... ۷
- ۱-۶ یوسف السباعی و موضوع مرگ ..... ۹
- ۱-۷ نظریات بزرگان درباره سباعی ..... ۱۱
- ۱-۸ سباعی و عشق ..... ۱۳
- ۱-۹ معرفی فدیتک یالیلی ..... ۱۴

### فصل دوم: ترجمه ی رمان « لیلی با من است »

- فصل اول : «مردی که نمی داند» ..... ۱
- فصل دوم: «روح در کیف» ..... ۱۷
- فصل سوم: «پاره آتش در آب» ..... ۳۳
- فصل چهارم: «آنچه در قلب است ، می ماند» ..... ۴۹
- فصل پنجم: «نا امید» ..... ۶۷
- فصل ششم: «ماندگار در ذهن» ..... ۹۳
- فصل هفتم : «ایمان و اعتماد» ..... ۱۰۹
- فصل هشتم: «آغاز درگیری» ..... ۱۲۵
- فصل نهم: «دیدگاه» ..... ۱۴۵
- فصل دهم: «پایان تجربه» ..... ۱۵۹
- فصل یازدهم: «لیلی کوچولو» ..... ۱۷۷
- فصل دوازدهم : «نوحه گری میان قبرها» ..... ۱۹۳
- فصل سیزدهم: «لیلی دوم» ..... ۲۱۵
- پایان ..... ۲۴۳
- منابع ..... ۲۴۹



## سخن مترجم

رمان، نثر داستانی نسبتاً طولانی است و در آن شخصیت و اعمال که نماینده زندگی واقعی اند، با طراحی کمابیش پیچیده تصویر شده اند. رمان از مهم ترین و معروف ترین اشکال تبلور یافته ادبی روزگار ماست. عرب ها از همان دوران جاهلیت، داستان ها و اخباری درباره حوادث و رویدادهای جنگ روایت می کردند و علاقه فراوانی به آن داشتند. بسیاری از دانشمندان پیدایش رمان عربی را حاصل ارتباط و اتصال با غرب می دانند. در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی شرایط برای ارتباط فکری با غرب به ویژه در لبنان برقرار شده و طی این اتصال بسیاری از روشنفکران شیفته رمان های غربی به ویژه فرانسوی شدند و به این ترتیب «رمان» پس از طی مراحل و درجاتی بوجود آمد. در این میان مصر نقش مهمی در تغییر و تحول رمان داشت.

از بزرگ ترین ادیبان مصری «یوسف السباعی» می باشد. وی در ۱۰ ژوئن ۱۹۱۷ میلادی در محله «الدرب الاحمر» قاهره و در خانواده ای اهل علم و ادب به دنیا آمد. پدر وی «محمد السباعی» ادیب و نویسنده زبر دست و از بزرگ ترین مترجمان از انگلیسی به شمار می رود که آثار بسیاری از بزرگان را ترجمه کرده است. یوسف السباعی در سال ۱۹۷۳ م وارد دانشگاه افسری شد و تا اخذ درجه «سرتیپی» پیش رفت. وی در طول زندگی پست های نظامی و ادبی بسیاری را بر عهده گرفت و آثار بسیاری را به رشته تحریر درآورد و جوایز بسیاری را از آن خود کرد. در اغلب آثار وی، روح رمانتیک گرایی حاکم است، از این رو وی را به عنوان «تک سوار میدان رمانتیک» می شناسند. از جمله آثار زیبای وی که باعث شد، بیشتر به عنوان «پرچمدار رمان رمانتیک مصری» شناخته شود، رمان «فدیتک یا لیلی» می باشد.

یوسف السباعی این اثر را در سال ۱۹۵۳م به رشته تحریر درآورد. این رمان در ۱۴ فصل به تصویر کشیده شده و نویسنده در کنار پرداختن به بعد متافیزیکی و مسأله جنگ انسان با قضا و قدر، از قوانین علمی نیز آگاهانه در آن استفاده می کند. وی با ظرافت خاصی از علم روان شناسی بهره برده و جریان داستان را با کمک اصول این علم، به پیش می برد. این رمان ماجرای عاشقانه ای را به تصویر می کشد که از فراز و فرود جذابی برخوردار است. کل داستان در فضایی زیبا و شاعرانه شکل می گیرد و در جذب مخاطب بسیار موفق عمل کرده است. از نقاط قوت این اثر، توصیفات دقیق و ماهرانه، تنوع شخصیت ها و معرفی آنها به

دور از هرگونه ابهام، دیالوگ های ساده و قابل فهم که در عین سادگی گاهی از عمیق ترین معانی فلسفی برخوردار می باشد، استفاده از قلمی شیوا و روان و استفاده از تکنیک های علم روان شناسی در کنار مسائل ساده و پیش افتاده ای مانند تقابل دیدگاه های دو نسل می باشد.

نویسنده گاهی با زبان یک فیلسوف، گاهی یک حکیم و گاهی عاشقی دلسوخته با مخاطب خود سخن می گوید. داستان در عین به تصویر کشیدن رابطه ای عاشقانه، سیر عقیفانه ای دارد و به دور از هر گونه مسائل غیر اخلاقی است.

این رمان بیانگر زندگی چند بعدی و قدرت والای ادبی نویسنده است، که گرچه به عنوان یک سیاست مدار مطرح سال ها فعالیت کرده است ولی در زمینه ادبیات نیز خوش درخشیده و موفقیت های فراوانی را از آن خود کرده است.

## فصل اول

### معرفی شخصیت یوسف السباعی

## ۱-۱ یوسف السباعی تک سوار میدان رمانتیک

یوسف محمد محمد عبدالوهاب السباعی در ۱۰ ژوئن ۱۹۱۷م در محله «الدرب الاحمر» قاهره به دنیا آمد. وی در خانواده ای اصیل که از بزرگان مصر بودند، رشد کرد. یکی از اجداد او شیخ «صالح السباعی» از صوفیان بزرگ قاهره می باشد. علم و ادب در خانواده وی سینه به سینه منتقل شد. علاوه بر محیط خانواده، محله ای که در آن به دنیا آمد و زندگی کرد، نقش بسیار مهمی در رشد و شکوفایی وی داشت چرا که مهد بسیاری از بزرگان علم و ادب از جمله توفیق حکیم، یحیی حقی، فتحی رضوان و رافعی بود. منطقه الدرب الاحمر یکی از قدیمی ترین مناطق تاریخی قاهره به شمار می رود که ۶۵ اثر تاریخی، اسلامی از جمله «دانشگاه الازهر» در آن قرار دارد.

پدرش «محمد السباعی» ادیب و نویسنده ای زبر دست و استاد بزرگانی چون عقاد، طه حسین، و مازنی به شمار می رفت. محمد السباعی با «عایشه المصری» ازدواج کرد و صاحب سه پسر با نام های محمد، یوسف و احمد شد. وی برخلاف مادر که بسیار سختگیر بود، پدری مهربان و همراه بود که از همه جهت با پدرهای هم دوره اش فرق داشت و همین روحیات خاص و علاقه وی به ادبیات موجب شد زمینه گرایش ادبی در فرزندان به ویژه «یوسف» ایجاد شود.<sup>۱</sup>

محمد السباعی از تاثیر گذاران نهضت ادبی مصر و از مشهورترین مترجمان از انگلیسی به شمار می رود و آثار بسیاری را از دیکنز، ادیسون و شکسپیر ترجمه کرده است. از مهم ترین ترجمه های وی برگردان زیبایی بود که از رباعیات خیام منتشر کرد. او هم مثل بستانی به منظومه «فیتز جرالده» روی آورد و به عینه آن را به عربی برگرداند ولی آن را به شکل حماسی در آورد. ترجمه او سیلی از تحسین و تمجید ناقدان عرب را به پا کرد، تا آن جا که مازنی با دیده رضایت به ترجمه وی نگریسته است و می گوید: «گویی ترجمه او در اصل به عربی نوشته شده است. قدرت حقیقی محمد سباعی در ترجمه، در نهایت دقت و اصالت است و او بیش از هر مترجمی به اصل آن پایبند بوده و تواناترین آن ها در آوردن الفاظ مستحکم و زیباست»<sup>۲</sup>. از جمله آثار وی می توان به ترجمه «قهرمانان» اثر توماس کارلیل، «داستان دو شهر» اثر چارلز دیکنز، «نامه های انجمن» اثر ادیسون و تالیف کتاب «قهرمانان مصر» در زمینه سیاست اشاره کرد.

<sup>۱</sup>. منتديات المجموعة المصرية للادب و الشعر (دکتر مصطفی): «یوسف السباعی» 2011/11/20 www. Esgmarkets. com  
<sup>۲</sup>. حبیب کشاورز: «ترجمه رباعیات خیام» 2011/8/9 www. Hawzah. Net

بعد از مرگ وی، پسرش یوسف، ۱۰۰ داستان از نوشته ها و ترجمه های پدر را جمع آوری کرد و در سال ۱۹۵۷ م در یک جلد به چاپ رساند.<sup>۱</sup>

یوسف علاقه بسیاری به آثار پدر داشت، به ویژه نوشته هایی که در آن از شرایط جامعه و حاکم انتقاد می شد. او تمام رباعیات خیام را که توسط پدر ترجمه شده بود، از بر داشت. وی کتاب نا تمام پدر را که «فیلسوف» نام داشت کامل کرد، آن را به چاپ رساند و به دکتر «طه حسین» تقدیم نمود. یوسف از مادر با عشق و علاقه فراوان یاد می کند و می گوید: «مادرم همیشه مرا به چشم یک بچه می دید هر چند که بزرگ شده بودم، دائماً نگران حال من و سلامتی ام بود، بیشتر از هر چیزی دغدغه تر و خشک کردن مرا داشت در حالی که نزدیکترین همدم او اشکهایش بود»<sup>۲</sup>. او برای اولین بار از طریق مادر بزرگ پدری اش (نینه ام طاها) با داستان و حکایت آشنا شد و شب و روز از چشمه حکایتهايش سیراب می شد. علاقه فراوان یوسف به مادر بزرگ و داستان های او باعث شد یکی از رمان های خود را با نام «البحث عن الجسد» به او تقدیم کند:

«تقدیم به اولین کسی که مرا دوست داشت و اولین کسی که او را دوست داشتم، به بهترین داستان سرا و شیرین ترین حکایت کننده». یوسف در ۱۴ سالگی پدر خود را از دست داد و این اتفاق تاثیر فراوانی بر روحیه او گذاشت. تا جایی که از آن پس مرگ را همیشه نزدیک و همراه خود می دانست. پس از مرگ پدر، خانواده یوسف تحت سرپرستی عموی بزرگ خود «طه سباعی» قرار گرفت. یوسف از کودکی علاقه بسیاری به ادبیات داشت و این گرایش ادبی از همان زمان در قالب شعر و داستان کوتاه نمود یافت. مادر از این بابت بسیار نگران بود و می ترسید او نیز با رو آوردن به ادبیات مانند پدرش زندگی فقیرانه ای داشته باشد. از این رو یوسف در سال ۱۹۳۵ وارد دانشکده افسری شد و به یگان سوار کاری پیوست و تا اخذ درجه «سر تیپی» پیش رفت.

وی از کودکی علاقه بسیاری به دختر عموی خود «دولت طه سباعی» داشت و این عشق پس از سالها به ازدواج انجامید که حاصل آن دو فرزند دختر و پسر به نام های «ببسا و اسماعیل» بود. این رابطه

<sup>۱</sup> . خیرالدین، زرکلی: الاعلام ( قاموس تراجم الاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین ) بیروت، دارالعلم للملایین، ۲۰۰۷، ص ۸۰

<http://gate.ahram.org>

2011/10/22

<sup>۲</sup> موسسه الاهرام: «یوسف السباعی، نشاته و حیاته»

عاشقانه طی سال های زندگی همچنان میان یوسف و همسرش ادامه یافت که تاثیر آن در بسیاری از نوشته های یوسف به خوبی نمود می یابد، تا جایی که وی در رمان «انی راحله» در خلق قهرمان زن داستان «عایده» از شخصیت همسر خود الهام گرفته و رمان را نیز به وی تقدیم کرده است: «تقدیم به محبوب ترین باوفا و وفادار ترین محبوبم». یوسف همسر خود را «مخضوضه هانم» یعنی «خانم ترسو» نامیده بود، چرا که همسرش همواره نگران او بود تا جایی که مانع از مسافرت وی با هواپیما می شد. یوسف السباعی درباره زنان می گوید: «همواره احوال زنان عجیب است سلطه زن بر مرد قوی تر است و حال آن که او از مرد ضعیف تر است بیش از هر کسی نسبت به مرد وفادارتر است و مرد از هرکسی نسبت به او بی وفاتر، بیشترین شکایت را از مرد دارد در حالی که از او آسوده تر و راحت تر است»<sup>۱</sup>. یوسف السباعی ادیبی سیاست مدار با روحیه ای حساس و لطیف است که مردم مصر همواره او را به عنوان «تک سوار میدان رمانتیک» می شناسند و در مورد زندگی وی سریالی با همین عنوان نیز ساخته شده است.<sup>۲</sup>

## ۲-۱ فعالیت ها و مناصب ادبی و نظامی

یوسف السباعی از فعال ترین افسران ادیب به شمار می رود. وی در طول زندگی خود پست ها و مشاغل فراوانی را عهده دار بوده است. فعالیت های وی از نوجوانی آغاز شده و تا آخرین لحظات عمر ادامه داشته است. مهم ترین این فعالیت ها عبارت است از:

- ورود به دانشکده افسری در سال ۱۹۲۵ م و خدمت در «یگان سوار کاری» و پیشرفت تا درجه

«سرتیپی».

- احراز درجه «افسری» و «فرماندهی یگان سوار کاری» در سال ۱۹۳۷ م.

- تدریس در دانشکده افسری به عنوان مدرس تاریخ در سال ۱۹۴۵ م.

- ریاست «موزه جنگی» و «فرماندهی یگان های آموزشی» در سال ۱۹۴۹ م.

- اخذ دیپلم روزنامه نگاری از دانشگاه قاهره در سال ۱۹۵۲ م.

- دبیر کلی همایش وحدت آفریقا - آسیا در سال ۱۹۵۹ م.

- شرکت در تاسیس باشگاه داستان نویسی.
  - ریاست هیات مدیره مجله «روز الیوسف» در سال ۱۹۶۱م.
  - عضویت در شورای عالی فنون و ادبیات.
  - سردبیری مجلات «الرساله الجدیده» در سال ۱۹۵۳ و «آخر الساعه» و «المصور»
- سال ۱۹۶۷ م.

- تاسیس انجمن ادیبان و نویسندگان.
  - تاسیس سازمان همبستگی ملل آفریقا - آسیا.
  - ریاست هیات مدیره «دار الهلال» سال ۱۹۷۱ م.
  - احراز وزارت فرهنگ در کابینه انورسادات سال ۱۹۷۳ م.
  - ریاست هیات مدیره و سر دبیری موسسه «الاهرام» ۱۹۷۶م.
  - ریاست روزنامه نگاران مصری در سال ۱۹۷۷ م.
  - تاسیس چندین مجله از جمله «الادباء العرب»، «الثقافه»، «القصه»، «لوتس» و «الزهور».
- وی علاوه بر فعالیت های ادبی و سیاسی به ورزش و نقاشی نیز علاقمند بود و به نقاشی در مجلات مختلف می پرداخت و در مدرسه نیز کاپیتان تیم هاکی بود.<sup>۱</sup>

### ۳-۱ آثار وی

یوسف السباعی در خانواده ای اهل علم و ادب می زیست و در اوان کودکی از طریق پدر با آثار بزرگانی چون شکسپیر، دیکنز، تولستوی و ... آشنا شد. از این رو جای تعجب نیست که قدرت نویسندگی و تمایلات ادبی از کودکی در وجود وی نمایان شود. وی در طول زندگی ادبی و سیاسی خود آثار ارزشمند بسیاری بر جای نهاد که به سرعت جای خود را میان جوانان و خوانندگان باز کرد و بسیاری از سینماگران را بر آن داشت برای خلق آثاری ماندگار، به نوشته های او روی آورند. وی کار خود را در کودکی با اشعار کوتاه آغاز کرد. سپس به داستان های کوتاه پرداخت و اولین داستان خود را با عنوان «فوق الانواء» در ۱۷ سالگی به چاپ رساند و قصه دوم او با نام «تبت یدا ابی لهب» در مجله «مجلتی» که بزرگ ترین مجله آن زمان

بود، چاپ شد. پس از آن به رمان نویسی روی آورد و اولین رمان وی « نائب عزرائیل » بود. یوسف السباعی رمان «لست وحدک» را بهترین کار خود می داند زیرا از نظر وی ، این رمان حاصل افکار و تجارب نویسنده در مقابله با مشکلات زندگی است.<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۲ انجمن نویسندگان عرب ۱۰۵ رمان برتر عربی را معرفی کردند که «سقامات» یوسف السباعی نیز جزء این لیست به شمار می رود.

از یوسف السباعی ۲۲ مجموعه داستان کوتاه ، ۱۶ رمان، ۴ نمایشنامه، ۱۵ فیلم نامه و چندین مقاله در زمینه پژوهش و نقد ادبی و مسائل سیاسی و ۱ کتاب در زمینه سفرنامه بر جای مانده است. برخی رمان ها و داستان های کوتاه وی به شرح ذیل می باشد.

#### داستان های کوتاه

- اطياف ۱۹۴۷
- اثنتا عشره امراه ۱۹۴۸
- خبايا الصدور ۱۹۴۸
- يا امه ضحكت ۱۹۴۸
- اثنا عشر رجلا ۱۹۴۹
- في موكب الهوى ۱۹۴۹
- من العالم المجهول ۱۹۴۹
- مبكى العشاق ۱۹۵۰
- بين ابوالريش و جنينه ناميش ۱۹۵۰
- هذه النفوس ۱۹۵۰
- هذا هو الحب ۱۹۵۱
- ام رتيبه ( ناميش نامه ) ۱۹۵۱
- اغنيات ۱۹۵۱
- الشيخ زعرب ۱۹۵۲

<sup>۱</sup> . يوسف الشارونى: « مع يوسف السباعى الاديب »،پايگاه تخصصى مجلات نور،مجلات ادبيات، الجديد، عدد ۳۳، مه ۱۹۷۳،ص۳۵.



- نفحه من الايمان ١٩٥٢
- ست نساء و سته رجال ١٩٥٣
- ليله خمير ١٩٥٣
- جمعيه قتل الزوجات «نمايش نامه» ١٩٥٣
- همسه غابره ١٩٥٣
- سمار الليالي ١٩٥٣
- ليالي و دموع ١٩٥٥
- اقوى من الزمن ( نمايشنامه) ١٩٦٥
- رمان ها
- نائب عزرائيل ١٩٤٧
- ارض النفاق ١٩٤٩
- السقامات ١٩٥٢
- البحث عن الجسد ١٩٥٣
- فديتك يا ليلى ١٩٥٣
- رد قلبي ١٩٥٤
- بين الاطلال ١٩٥٤
- طريق العوده ١٩٥٦
- ناديمه ١٩٦٠
- جفت الدموع ١٩٦٢
- ليل له آخر ١٩٦٣
- نحن لانزرع الشوك ١٩٦٩
- ابتسامه على شفقيه ١٩٧١

## ۴-۱ جوایز

یوسف السباعی در طول دوران فعالیت هایش به نشانها و جوایز بسیاری دست یافت. وی در سال ۱۹۵۹ جایزه وزارت فرهنگ را برای بهترین داستان دو فیلم «رد قلبی» و «جمیله الجزائریه» و بهترین دیالوگ «رد قلبی» و بهترین فیلم نامه «اللیله الاخیره» از آن خود کرد. در سال ۱۹۶۲ رییس جمهور وقت «جمال عبدالناصر» نشان لیاقت کشور ایتالیا از دسته سوارکاران را به او اعطا کرد. در سال ۱۹۷۰ موفق به کسب جایزه «صلح لنین» از کشور شوروی سابق و نشان ملی جمهوری مصر شد. وی همچنین توانست لوح تقدیر کشوری در ادبیات را نیز بدست آورد.<sup>۲</sup>

## ۵-۱ ادبیات سباعی

آثار یوسف السباعی، مورد توجه و استقبال کم نظیری قرار گرفت. و بسیاری از نوشته های او علاوه بر ترجمه به زبانهای دیگر، تبدیل به فیلم های سینمایی شد. دلیل شهرت آثار وی، اسلوب ساده و صمیمی و در عین حال استوار اوست. اما چیزی نگذشت که از توجه و اهتمام به آثار وی تا حد زیادی کاسته شد و ناقدان با این بهانه که دوران رومانتیک گرایی در ادبیات به پایان رسیده است از پرداختن به آثار وی امتناع کردند در حالی که علت اصلی بی توجهی آنها سیطره جریان فکری چپ گرا بر محافل نقدی و ادبی - سیاسی بود که یوسف السباعی را نویسنده ای راست گرا می دانستند.<sup>۳</sup> وی اختلاف نظر زیادی با برخی از اطرافیان خود داشت حتی زمانی که انور سادات بخاطر برخی منافع سیاسی افرادی را از موقعیت های خود عزل و نصب می کرد باعث ناراحتی او می شد و به دلجویی از آنان می پرداخت.<sup>۴</sup>

در تمام داستان های وی نوعی احساس نزدیکی رومانتیک و همدردی دلسوزانه با قهرمانان داستان دیده می شود، زیرا نویسنده غالباً حوادثی را به تصویر کشانده که خود در آن ها حضوری فعال داشته است. این نوشته ها رنگ و بوی اخلاقی دارد و بر این اصل تاکید می کند که اخلاق، دین، بیداری و ذکاوت

[www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)

2011/6/15

<sup>۱</sup> ویکیپدیا: «یوسف السباعی»

<http://azaheer.org>

2011/8/17

<sup>۲</sup> حسین علی محمد: "یوسف السباعی فارس فی مضمار الادب"

[www.Damanhour.Net](http://www.Damanhour.Net)

2011/10/8

<sup>۳</sup> محمد حسن: «التعریف بیوسف السباعی»

<sup>۴</sup> صالح مرسی: هم و انا (نجیب محفوظ، یحیی حقی، یوسف ادریس، یوسف السباعی، توفیق الحكیم) قاهره، مکتبه مدبولی الصغیر، 1996م، ص ۲۰۹.

دستمایه ضروری برای حمایت از نوع بشر است. از این رو روح رمانتیک گرایی به طور کلی در آثار وی جریان دارد. اما با این وجود در نوشته های وی سه نوع گرایش به چشم می خورد:

واقع گرایی، گرایش تاریخی و گرایش طنز پردازی.

از نظر سباعی، رمان جزئی از زندگی انسان است که تمام ابعاد زندگی فرد، علایق، احساسات، تفاوت ها و روابط او با دیگران را به تصویر می کشد. این توصیف بیانگر واقع گرایی اوست. چرا که در تمام نوشته های وی حوادث و شخصیت هایی جریان دارند که عینی و ملموس بوده و در زندگی روزمره قابل مشاهده هستند. وی شخصیت های آثار خود را از محیط پیرامون و از میان طبقات مختلف مصر انتخاب کرده و با نگاه دقیق خود به مسائل و مشکلات آنها می پردازد.<sup>۱</sup>

یوسف السباعی در سیر ادبی خود بعد از گذر از سبک رومانتیک، به سبک فانتزی و طنز می رسد و می توان گفت وی جزء اولین نویسندگان به این سبک است که به دنبال آن همگان را به اصلاح اجتماعی و حرکت برای استقلال و عدالت و آزادی دعوت می کند. وی در این زمینه از سبک پدر خود تاثیر پذیرفته و دنباله رو اوست. در این سبک نویسنده اجازه می دهد هر اتفاق خارق العاده ای همراه با مزاح و شوخی بیفتند. هدف نویسنده در این جا سرگرم کردن مخاطب نیست بلکه وی به دنبال ساختار شکنی و رسیدن به هدف خاصی است و در واقع از طنز به عنوان وسیله ای برای نقد سیاسی اجتماعی استفاده می کند. مانند رمان «نائب عزرائیل» و «البحث عن الجسد» که رمان نائب عزرائیل بخاطر شوخی با برخی مقدسات به رمانی جنجالی برانگیز تبدیل شد.

اما برخی از رمان های یوسف السباعی برپایه حوادث تاریخی نوشته شده است. وی این حوادث را انتخاب کرده و آن ها را با قلم توانای خود در قالب داستانی ریخته است. به عنوان مثال نمایشنامه «اقوی من الزمن» به حوادث سال ۱۹۶۴ و ساخت سد «العالی» اشاره دارد و یا رمان «طریق العوده» به قضیه فلسطین و حوادث سال ۱۹۵۶ می پردازد و یا رمان «جفت الدموع» بر اساس رویدادهای تاریخی مربوط به وحدت بین مصر و سوریه، نوشته شده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عبدالرحمن، ابوعوف: فصول فی النقد و الادب، قاهره،الهیئه المصریه العامه للكتاب، ۲۰۰۹، ص ۲۳۹

<sup>۲</sup> یوسف الشارونی: «یوسف السباعی فی رحله الادبیه»، پایگاه تخصصی مجلات نور، مجلات زبان و ادبیات،الجدید، عدد ۵۱، فوریه ۱۹۷۴ م، صص ۳۱-۳۳.

علاوه بر آن یوسف السباعی قوانین علمی را آگاهانه در آثارش بکار می برد. او از روان شناسی، اقتصاد، تاریخ و جامعه شناسی در رمانهایش استفاده می کند و نوعی تفکر علمی واقعی بر آن ها سیطره دارد که آن را با افکار و گرایشات رمانتیک درهم آمیخته است. به عنوان مثال در رمان « فدیتهک یا لیلی » به بعد متافیزیکی می پردازد و در آن جنگ بین انسان و قضا و قدر را به تصویر می کشد.<sup>۱</sup>

زمان در آثار سباعی همانند نجیب محفوظ حضوری جدی و قاطع دارد. شاید بتوان سباعی را از این نظر به «چارلز دیکنز» شبیه دانست زیرا در آثار دیکنز هم، زمان همراه با شخصیت های فراوان به صورت مجموعه هایی مترکم از انسان ها و مکان ها و عادات متجلی می گردد. شخصیت انسان مصری در آثار او هرچند به قدرت نجیب محفوظ ترسیم نشده است، اما قابل توجه است. سباعی مانند «طه حسین» قداست این سرزمین را با نماد رودخانه نشان می دهد و آن را سرچشمه خیر و برکت می داند.

او با تفکر و ذهنیت یک نظامی که طبعا باید تابع دستورهای خشک و بی چون و چرا مافوق باشد به نوشتن، آن هم از همه نوع دست زده است. سباعی در آثارش با عمق فراوان تری تراژدی شعور اجتماعی را به تصویر کشیده است. علاوه بر آن، خشونت یک افسر ارتش با نرمش او در نویسندگی قابل توجه است.<sup>۲</sup>

## ۶-۱ یوسف السباعی و موضوع مرگ

یوسف السباعی در ۱۴ سالگی پدر خود را از دست داد. مرگ پدر تاثیر عمیقی بر وی گذاشت؛ به گونه ای که از آن پس مرگ را همیشه و همه جا همراه خود می دید و با خود تکرار می کرد:

« هر لحظه مرگ را می بینم که در کمین من است.. در ماشینی که در راه خود می رود.. در کلید برق .. در چوب کبریت .. یا یک گلوله کوچک .. در همه چیز .. مرگ ایستادن قلب است از تپیدن » و در جای دیگر می گوید: « میان من و مرگ فقط یک گام فاصله است که به طرف آن بر می دارم یا او به سمت من می آید. گمان نمی کنم جسم سست و ناتوان من بتواند به سمت مرگ پیش برود. پس ای مرگ عزیز! تو نزدیک شو: بیا .. مدتهاست که بی صبرانه منتظر تو هستم.»

<sup>۱</sup> . راغب نبیل: « یوسف السباعی بین العلم و الادب»، پایگاه تخصصی مجلات نور، مجلات زبان و ادبیات ، عدد ۱۷۱، فوریه ۱۹۷۹ م، ص ۱۱.

<sup>۲</sup> . عبدالحسین فرزاد: « خطی از خطه سوم ( میانبری به ادبیات داستانی معاصر عرب)»، پایگاه تخصصی مجلات نور، مجلات هنر، ادبیات داستانی، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۶۰.